

کتاب اول
رزنو، باتو

...

نقطه نه؛ علامت سؤال

بن بست هاگهی ساخته خیال ماست

عوامل زلزله بنیان خانواده
و راه های پیشگیری از آن

...

سبک زندگی، انتخاب نادرست همسر،
دخالت خانواده ها، ضعف اقتصادی، اعتیاد



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: نقطه نه، علامت سؤال: عوامل تزلزل بنیان خانواده و راه‌های پیشگیری از آن: سبک زندگی و ... / محسن عباسی ولدی؛ ویراستار مرتضی بهرامی خشنودی.
 مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری: ۳۲۲ ص.: مصور.
 فروست: از نو با تو، بن بست‌ها گاهی ساخته خیال ماست؛ کتاب اول.
 شابک: دوره: ۶-۲۴-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۱: ۳-۲۵-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 عنوان دیگر: عوامل تزلزل بنیان خانواده و راه‌های پیشگیری از آن: سبک زندگی و ...
 موضوع: خانواده‌ها -- ایران -- جنبه‌های اخلاقی
 Families -- Iran -- Moral and ethical aspects: موضوع:
 موضوع: خانواده‌ها -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی: موضوع: Families -- Iran -- Social aspects
 موضوع: طلاق -- ایران: موضوع: Divorcee -- Iran
 موضوع: روابط زن و مرد -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
 موضوع: Man-woman relationships -- Social aspects -- Iran
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ HQ۶۶۶/۴/ع۱۶ن۷
 رده بندی دیویی: ۳۰۶/۸۵۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۵۹۰۷۳

• از نو با تو (کتاب اول) •

نویسنده: محسن عباسی ولدی
 ناشر: آیین فطرت
 مدیر هنری و طراح جلد: سیدحسن موسی زاده
 تصویرگران: محمدعلی خلجی، عباس ناصری،
 محمود نظیری، منصوره دهقانی
 سرگروه تصویرگران: محمدعلی خلجی
 گرافیست و صفحه‌آرا: سعید صفارنژاد
 ویراستار: مرتضی بهرامی خشنودی

• www.abbasivaladi.ir •

ارتباط با ناشر: ۰۲۵-۳۳۲۲۱۶۶۲
 سامانه پیامکی ناشر: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران
 نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۶
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان
 مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۹۹۲
 با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا
 ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،
 کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.
 • www.bookroom.ir •
 سامانه پیامکی: ۰۲۲ ۳۰۰۰۰۰

کلیه حقوق محفوظ است.

•••

کرم از نگاهت می‌بارید.
سخاوت، هستی‌اش را وام‌دار دست تو بود.
هر بار نفس کشیدنت،
ترجمان تازه‌تری بود از مهربانی.
در صورتت، هم جبروت علی علیه السلام را می‌شد به تماشا ایستاد
و هم ملکوت فاطمه علیها السلام را.
و کاش کسی برای من حل می‌کرد این معما را:
این همه کرم و سخاوت و مهربانی،
چرا نرم نکرد دل همسرت را؟

سردار صفین، امام امام حسین علیه السلام
پیشوای کرامت، حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام

تقدیم به

فهرست از نوباتو/کتاب اول

- ۱۵ مقدمه
- ۱۹ درآمد
- ۱۹ چرا باید درباره طلاق حرف زد؟

بخش اول

هتک و ترک زندگی با سبک زندگی (طلاق و سبک زندگی)

بخش دوم

انتخاب‌های انتحاری (طلاق و انتخاب نادرست همسر)

- ۴۰ الف) انتخاب‌های احساسی
- ۴۴ ب) تفسیر غیر دینی کفویت
- ۴۴ ۱. کفویت در قیافه
- ۴۸ ۲. تناسب اقتصادی میان خانواده‌ها
- ۴۸ ۳. حساسیت بیش از اندازه روی شغل پدر
- ۴۹ ۴. شغل ثابت داشتن پسر
- ۵۰ ۵. تناسب تحصیلی
- ۵۰ ۶. وسواس در سلامت جسمانی

پرسش‌های شما

- ۵۵ نقش ازدواج‌های اجباری در طلاق
- ۵۵ این، آری؛ این، هرگز
- ۵۶ مشکلات «این هرگز»ی‌ها

- ۵۷ آمار طلاق و ازدواج‌های اجباری
- ۵۸ چند جمله با پدر و مادرها
- ۶۳ ازدواج و فرار از خانواده
- ۶۳ از چاله در آمدن و به چاه افتادن
- ۶۴ سخنی با والدین
- ۶۷ مداخله در ازدواج به جای مداخله در طلاق
- ۶۷ درست ازدواج کردن لازمه درست زندگی کردن
- ۷۱ اصلاً شناخت ممکن هست؟
- ۷۱ شناخت عمومی و شناخت خصوصی
- ۷۳ نکاتی که باید در عقد محرمیت مراعات کرد
- ۷۵ صداقت، راه کوتاه شناختن و شناساندن
- ۷۷ عقد موقت برای شناخت بیشتر؟
- ۷۷ توجه به آمار و تبعات طلاق
- ۸۱ عدم تناسب این راه کار با فرهنگ جامعه
- ۸۲ عقد محرمیت و برانگیخته شدن احساسات
- ۸۲ عدم جسارت برای جدا شدن در دوران نامزدی
- ۸۵ باید زن زشت بگیریم؟
- ۸۵ در نظر گرفتن قیافه یا محوریت آن؟
- ۸۵ محوریت قیافه یا در نظر گرفتن برآیند شخصیت؟
- ۸۹ آفت مقایسه برای کسانی که قیافه همسرشان معمولی است
- ۸۹ زیبایی تکراری می شود
- ۹۰ تذکری به خانم‌ها
- ۹۱ تذکری به آقایان
- ۹۳ با ملاک‌های ظاهری چه باید کرد؟
- ۹۳ با معیارهای اشتباه چه کنیم؟
- ۹۴ وظیفه خانواده‌ها در برابر این معیارها
- ۹۷ چگونه تحقیق کنیم؟
- ۹۷ شیوه پرسش
- ۹۸ میدان تحقیق
- ۸۹ ۱. همسایه‌ها
- ۹۸ ۲. رفقا
- ۹۸ ۳. معلمان و استادان
- ۹۸ ۴. مدیریت مدرسه و دانشگاه
- ۹۹ ۵. هم‌اتاقی
- ۹۹ ۶. همکار
- ۹۹ ج) فرد تحقیق کننده

- ۹۹ (۵) زمان تحقیق
- ۱۰۱ با مشکل تظاهر چه باید کرد؟
- ۱۰۱ «شناخت صد در صد» خرماي بر نخيل است
- ۱۰۲ تحقيق از اعضاي خانواده را جدي بگيريم
- ۱۰۳ آيا اگر مشروب هم مي خورم، بگويم؟
- ۱۰۵ با سرزنش هاي پس از گفتن حقيقت چه بايد کرد؟
- ۱۰۵ فرصت انتخاب واقع بينانه
- ۱۰۶ تفاوت در حساسيت ها
- ۱۰۷ زمان مطرح کردن
- ۱۰۹ صداقت و پاسخ منفي شنيدن
- ۱۱۱ آيا تن دادن به ازدواج خياباني و طلاق گرفتن، بهتر از ازدواج نکردن نيست؟
- ۱۱۱ استدلال منطقي يا اعتراض به وضع موجود؟
- ۱۱۲ قضاوت صحيح در باره ازدواج هاي خياباني
- ۱۱۳ بهترين راه، کنار گذاشتن سخت گيري است
- ۱۱۵ دوست بوديم، ازدواج کرديم الان هم موفقيم
- ۱۱۷ ازدواج سنتي کردم و شکست خوردم
- ۱۱۹ روابط دختر و پسر در روان شناسي غربي و تربيت ديني
- ۱۲۵ دلهره ازدواج
- ۱۲۵ دلهره خوب، دلهره بد
- ۱۲۶ راه رهايي از ترس
- ۱۲۷ بالآخره ازدواج را آسان بگيريم يا سخت؟
- ۱۳۱ نگاه بد مردم به مشاوره قبل از ازدواج
- ۱۳۱ پاک کردن صورت مسئله، ممنوع
- ۱۳۲ فرهنگ سازي با درايست
- ۱۳۲ مشورت يا مشاوره رسمي
- ۱۳۲ اجباري شدن مشاوره قبل از ازدواج
- ۱۳۵ مشاوره و افزايش آمار طلاق
- ۱۳۵ نگاه غربي به طلاق
- ۱۳۷ نگاه ديني به طلاق
- ۱۴۱ عدم واقع گرایی در ازدواج
- ۱۴۵ احساس شکست از ازدواج زود هنگام
- ۱۴۵ اوضاع خانه و جامعه‌اي که درس برای زن، همه چیز است
- ۱۴۷ دیدن نداشته‌ها و ندیدن داشته‌ها
- ۱۴۹ رابطه شکست و پيروي با داشته‌ها و نداشته‌ها
- ۱۵۲ نداشته‌هایی که برای خودشان داشته‌هایی هستند
- ۱۵۵ تأخير ازدواج فرزند به جهت کوچک شمردن او

- ۱۵۵ یک اشتباه بزرگ
- ۱۵۶ پتک خطرناک تحقیر
- ۱۵۹ ازدواج به امید تغییر
- ۱۵۹ امید به تغییر، پایه‌ای متزلزل
- ۱۶۰ تلاش برای باقی ماندن خوبی‌ها
- ۱۶۳ طلاق و فساد عامل عدم رغبت به ازدواج
- ۱۶۳ طلاق و فساد دو لبه یک قیچی
- ۱۶۴ بالا رفتن سن ازدواج و تیزتر شدن این قیچی
- ۱۶۵ توکل چیست؟

بخش سوم

دلالت و دل‌سوزی؛ دخالت و زندگی‌سوزی (طلاق و دخالت خانواده‌ها)

- ۱۷۲ نحوه تذکر دادن
- ۱۷۴ فرق دخالت و مشورت

پرسش‌های شما

- ۱۷۹ اصرار خانواده به طلاق
- ۱۸۳ آیا این مباحث هجمه به جایگاه پدر و مادر نیست؟
- ۱۸۳ احترام به والدین، خط قرمز دین
- ۱۸۴ نقش دخالت نکردن در حفظ جایگاه والدین
- ۱۸۹ بچه‌ها در برابر دخالت والدین چگونه برخورد کنند؟
- ۱۸۹ غرور، پرتگاه زندگی
- ۱۹۰ طرز برخورد با حرف‌های درست و نادرست والدین
- ۱۹۲ دخالت و امتحان محبت
- ۱۹۵ نکند نقش پررنگ مادر شوهر در تربیت عروس را فراموش کرده‌اید؟
- ۱۹۵ الگوگرفتن، وظیفه کوچک‌ترها؛ مهربانی، وظیفه بزرگ‌ترها
- ۱۹۶ تربیت عملی یا تربیت گفتاری؟
- ۱۹۹ دلیل دخالت بیشتر مادر شوهر
- ۲۰۱ آیا به جوان‌ها راه بیرون کردن خانواده شوهر از زندگی را نشان می‌دهید؟
- ۲۰۱ امکان سوء استفاده از هر سخنی
- ۲۰۱ جانبداری غیر منطقی؟!
- ۲۰۲ قضاوت منصفانه
- ۲۰۲ قانون بین‌المللی اخلاق
- ۲۰۵ آیا والدین را باید بر همسر ترجیح داد؟
- ۲۰۵ چرا «یا این یا آن»؟
- ۲۰۶ پرهیز از حرف‌های عوامانه

- ۲۰۶ خودمان عامل تقابل میان خودمان و خانواده همسرناشیم
- ۲۰۹ شما دخالت‌های مذهبی را هم نمی‌کنید؟
- ۲۰۹ چرا فرزندان همسری با فرهنگ متفاوت انتخاب کرد؟
- ۲۱۱ قضاوت در باره برخورد‌های چکشی
- ۲۱۲ چه باید کرد؟
- ۲۱۵ امر به معروف چه می‌شود؟
- ۲۱۵ جایگاه احتمال تأثیر در امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۱۶ نقش دوستی در تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۱۸ دعوت با رفتار
- ۲۱۹ نقش پاکی ما از گناه در تأثیرگذاری روی دیگران
- ۲۲۱ آیا با گناهکار هم باید خوش رفتار بود؟
- ۲۲۱ نسبت رفتار خوش با تشویق به گناه
- ۲۲۳ محوریت با اصلاح
- ۲۲۵ شما از بی‌حجاب‌ها دفاع می‌کنید
- ۲۲۵ پرهیز از نگاه‌های سطحی
- ۲۲۷ پرهیز از قضاوت‌های نادرست
- ۲۲۹ آیا رفاقت با فرزندان باعث از بین رفتن احترام نمی‌شود؟
- ۲۲۹ کار قدیمی‌ها، درست یا نادرست؟
- ۲۳۰ حفظ احترام با رابطه عاطفی

بخش چهارم

فقر و ستون فقرات زندگی (ضعف اقتصادی و طلاق)

- ۲۳۶ اقتصاد، نیازهای کاذب و تزلزل

پرسش‌های شما

- ۲۴۱ دیگر عوام فریبی بس است!
- ۲۴۱ مشکلات اقتصادی قابل انکار نیست
- ۲۴۲ تغییر نگاه به دنیا یا بالارفتن سطح اقتصادی
- ۲۴۳ ما دعوت به فقر نمی‌کنیم
- ۲۴۷ چشم و هم چشمی
- ۲۴۷ چشم و هم چشمی چیست؟
- ۲۴۷ چرا چشم و هم چشمی؟
- ۲۴۸ الف) ناشکری و مقایسه با بالاتر
- ۲۴۸ ب) تعریف نادرست از عزت
- ۲۵۱ ج) حسادت
- ۲۵۱ د) کوچک بودن شخصیت

- ۲۵۲ هـ تربیت خانوادگی
- ۲۵۲ و) تغییر دیدگاه
- ۲۵۳ ز) فراموش کردن هدف خلقت
- ۲۵۴ تذکری به ثروتمندان
- ۲۵۵ تأثیر تربیت بر ناتوانی در برابر مشکلات اقتصادی
- ۲۵۵ نگاه اشتباه ما به سختی
- ۲۵۶ نگاه اشتباه ما به خدمت
- ۲۵۸ اشتباه در روش کمک کردن
- ۲۵۹ آیا دیروز و امروز قابل مقایسه است؟
- ۲۵۹ مقایسه سبک زندگی امروز و دیروز
- ۲۶۰ پتک تغییر زمانه
- ۲۶۱ نگاه صحیح به فقر و فقیر
- ۲۶۲ مقصود از حل ریشه‌ای
- ۲۶۳ بحث ما تحلیل اقتصاد کشور نیست
- ۲۶۳ زندگی صوفیانه ممنوع
- ۲۶۵ شما قبول ندارید که خالهای دیگر زندگی را با پول می‌شود بپر کرد؟
- ۲۶۹ الگوسازی، لازمه تغییر دیدگاه مردم
- ۲۶۹ تربیت الگویی، روش تربیت دینی
- ۲۷۰ خودمان الگو شویم

بخش پنجم

زندگی روی پایه‌های دود (اعتیاد و طلاق)

- ۲۷۲ نگاهی کلی به اعتیاد در کشور
- ۲۷۴ تأثیر اعتیاد در زندگی
- ۲۷۶ سخت بودن زندگی با یک فرد معتاد
- ۲۷۷ مصاحبه با آقا مصطفی معتادی که پس از بیست سال ترک کرد

پرسش‌های شما

- ۲۹۵ استننا قابل تعمیم نیست
- ۲۹۵ برخورد اشتباه با شکست‌ها و پیروزی‌ها
- ۲۹۷ راه درست چیست؟
- ۲۹۹ مگر اعتیاد بیماری است؟
- ۲۹۹ اعتیاد، جرم یا بیماری؟
- ۳۰۰ معتاد علاقه به ترک دارد، اراده‌اش را ندارد
- ۳۰۲ چرا تحمل اعتیاد را به خانواده‌ها آموزش می‌دهید؟
- ۳۰۷ چرا خانواده‌ها را با حرف‌های احساسی تحریک می‌کنید؟

- ۳۰۷ کدام منطق، کدام احساس؟
- ۳۰۹ زن پس از طلاق چه کند؟
- ۳۱۰ همه را با یک چشم نگاه نکنید
- ۳۱۰ تشویق به اعتیاد؟
- ۳۱۳ کدام عقل سلیم فدا شدن یک خانواده به پای یک معتاد را می پذیرد؟
- ۳۱۳ تغییر نوع نگاه به نجات معتاد
- ۳۱۵ چرا برگشت به اعتیاد؟
- ۳۱۷ چرا این قدر بحث؟ مگر چند درصد از جامعه معتادند؟
- ۳۱۷ دقت بیشتر در آمار
- ۳۱۸ عزم ملی و حل معضل اعتیاد
- ۳۲۱ منابع



احترام داشت؛ به اندازه‌ای که کسی جرئت نداشت با چشم چپ نگاهش کند. محبوب بود؛ به قدری که جوان دوست داشت زودتر تشکیلش دهد. امن بود. وقتی پیشش بودی، آرام می‌گرفتی. استوار بود. قامت کوه خم می‌شد؛ اما خم به ابرویش نمی‌آمد.

خواهیدیم، یک روز، بیشتر و کمترش را نمی‌دانم؛ اما همین که بیدار شدیم، دیدیم ذلیل شده، به اندازه‌ای که حرمتش را هتک می‌کنند و کسی لب به اعتراض باز نمی‌کند. منفور شده، به قدری که جوان فرار می‌کند از آن. دیگر امنیت ندارد. وقتی کنارش هستی، فکر می‌کنی الآن زلزله به پا می‌شود. دیگر استوار نیست و به مویی بنداست.

مگر دیروز تا امروز چه رخ داده که از آن بالاها به این پایین‌ها رسیده خانواده؟! باید چشم را باز کرد. از این خمودگی بیرون آمد و دید سبک زندگی ما، چه بلایی بر سر خانواده آورده.

ازدواج می‌کنیم؛ اما گویی می‌خواهیم هم‌بازی انتخاب کنیم، نه همسر و هم‌سفر. به جای این که دیده‌بان تیزبین زندگی خویش باشیم، سر می‌دوانیم در زندگی این و آن. به اسم دلالت و دلسوزی، دخالت می‌کنیم و زندگی‌ها را به آتش می‌کشیم. همه چیزمان را

بسته‌ایم به پول. وقتی که پولمان کم می‌شود، راه نفسی زندگی بسته می‌شود. زیاد هم که می‌شود، سدّ نگاهمان می‌شود؛ گویی چیزی به جز پول، در این عالم نیست و امان و صد امان از دودهایی که مثل گردباد، دور خانواده می‌چرخند و بی امان خراب می‌کنند بنا و مبنای زندگانی را.

خدایا! تو خانواده را دوست داری؛ اما امروز خانواده، حال خوشی ندارد. ای طبیب دردهای بی‌درمان! شفا بده محبوب خویش را و دو باره او را برای ما محترم و محبوب کن. سایه امنش را روی سرمان گسترده نگاه دار و قامتش را همیشه استوار. آمین!



همان طور که پس از این خواهید خواند، در چند سال اخیر، رشد فزاینده طلاق شکل معناداری به خود گرفته؛ چندان که به جرئت می‌توان ادعا کرد این رشد، از مرز هشدار عبور کرده و در حال نزدیک شدن به مرز بحران است. مجموعه *از نو، باتو بر آن* است تا علاوه بر ریشه‌یابی آمار فزاینده طلاق، راه‌کارهای پیش‌گیری از طلاق را نیز بررسی کند. این مجموعه، در چهار کتاب تقدیم شما می‌شود. مجموعه *از نو*، با تو حاصل ۱۰۶ قسمت از برنامه رادیویی «پرسمان خانواده» در رادیو معارف است. این برنامه‌ها با مشارکت جدی و تأثیرگذار شنوندگان، توانست دلایل افزایش آمار طلاق را به صورت کاربردی بررسی کند.

شیوه‌ای که در این کتاب در پیش گرفته شده، این است که ابتدا یک عامل به صورت مختصر بیان می‌شود و سپس به سؤالات پیامکی و تلفنی شنوندگان در باره ابعاد مختلف آن عامل، پاسخ

داده می‌شود.

در پایان این مقدمه یادآوری سه نکته را لازم می‌دانیم:
اول: ممکن است برخی از مطالبی که در این جا طرح شده، دور از بحث طلاق به نظر برسد؛ اما از آن جا که بنای *از نو*، با تو این نیست که تنها به مباحث کلی و نظری بسنده کند، خود را موظف به طرح این مباحث می‌داند. مخاطب کتاب وقتی مطالبی را می‌خواند و سؤالاتی برای او پیش می‌آید، باید پاسخ سؤالات خود را بگیرد و گر نه، انگیزه‌اش برای عمل به آنچه خوانده، کم رنگ خواهد شد.

دوم: در بسیاری از موارد، خواننده کتاب نیازمند مطالعه دو کتاب دیگر از همین نویسنده است: *تا ساحل آرامش* با موضوع گام‌های موفقیت در زندگی مشترک، و *نیمه دیگرم* با موضوع مهارت‌های انتخاب همسر. ما در بیشتر این موارد، تذکر لازم را برای مطالعه این دو مجموعه داده‌ایم؛ اما در مواردی هم عین مطالبی را که نیاز بوده، از آن دو مجموعه به این کتاب منتقل کرده‌ایم. پیشنهاد ما این است که پیش یا پس از مطالعه این کتاب، حتماً کتاب *تا ساحل آرامش* را مطالعه کنید. مجردها هم علاوه بر *تا ساحل آرامش*، از مطالعه *نیمه دیگرم* نیز غافل نشوند. البته ما مطالعه این کتاب را به پدر و مادری که فرزندان‌شان در آستانه ازدواج هستند هم پیشنهاد می‌کنیم.

سوم: شاید گمان کنید مطالعه کتابی با موضوع طلاق، برای کسانی لازم است که اختلافات جدی در زندگی دارند و یا در آستانه طلاق قرار گرفته‌اند؛ اما به عقیده ما، مطالعه این کتاب برای همه لازم است. مجردها بخوانند تا بدانند در مسیر زندگی مشترک، چه

عواملی وجود دارد که بنیان خانواده را سست می‌کند تا بتوانند خودشان را برای رویارویی با آن عوامل آماده کنند. همان طور که خواهید خواند، بخشی از این عوامل، مربوط به مرحله انتخاب همسر است. متأهل‌هایی که زندگی آرامی دارند، بخوانند تا اجازه ورود عوامل متزلزل کننده را به محیط خانواده ندهند. متأهل‌هایی که اختلاف‌های جدی دارند، بخوانند تا راهی برای حل اختلاف‌های خود پیدا کنند. کسانی هم که در آستانه طلاق هستند، بخوانند، شاید در تصمیم خویش بازنگری کنند. پدر و مادرها هم از مطالعه این کتاب غافل نشوند تا بتوانند به استحکام هر چه بیشتر زندگی فرزندان‌شان کمک کنند.

در کتابی که پیش روی شماست، به بررسی پنج عامل افزایش طلاق می‌پردازیم. اول: سبک زندگی، دوم: انتخاب نادرست همسر، سوم: دخالت خانواده‌ها، چهارم: مشکلات اقتصادی و پنجم: اعتیاد.

در این جا، از همه کسانی که در تولید این اثر ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم. در میان همه این افراد، باید به گونه ویژه‌ای، از شنوندگان فهیم رادیو معارف تشکر کنیم که با مشارکت مثال زدن خود، به پویایی هر چه بیشتر این کتاب کمک کردند. امیدواریم که انتشار این مجموعه، قدمی هر چند کوچک در مسیر استحکام بنیان خانواده شمرده شود.

قم، شهر بانوی کرامت
زمستان ۱۳۹۵
محسن عباسی ولدی

• درآمد

• چرا باید در باره طلاق حرف زد؟

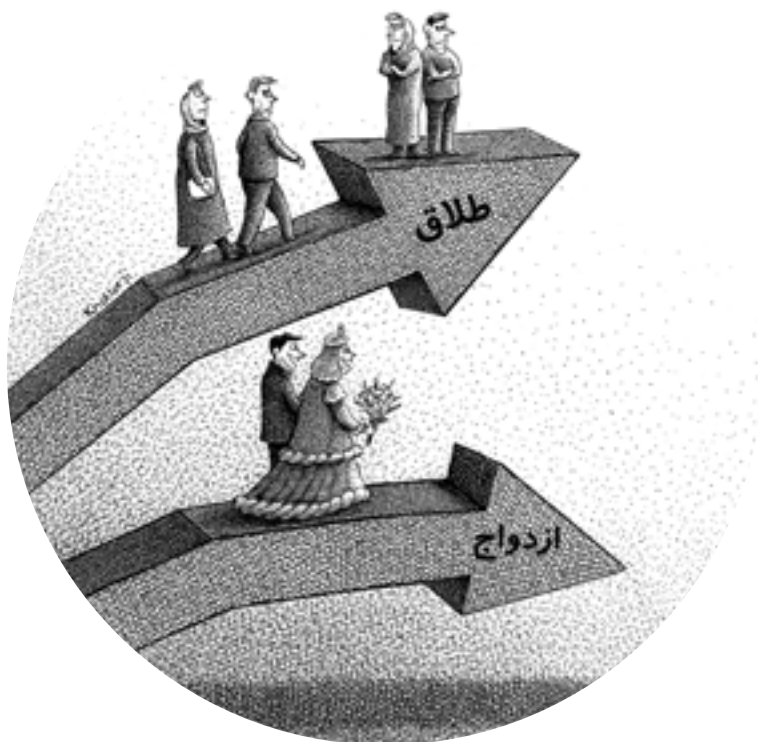
وقتی در باره طلاق و وضعیت آن در جامعه سخن گفته می شود، برخی به ما ایراد می گیرند که: با این حرف ها امنیت روانی جامعه به هم می ریزد. مردم به ویژه جوانان، با شنیدن این حرف ها دچار یأس و ترسی می شوند که در انگیزه آنها برای ازدواج، تأثیر منفی می گذارد. کسانی هم که از خوان ازدواج گذشته اند، نسبت به زندگی خود بدبین می شوند. این بدبینی، اضطرابی را برای آنها تولید می کند که لذت زندگی مشترک را از آنان می گیرد.

در پاسخ به این شبهه، باید گفت: مخفی کردن واقعیت در برخی از موارد، اشکالی ندارد و چه بسا خدمت به فرد یا جامعه شمرده شود؛ مانند مواردی که خطری، فرد یا جامعه را تهدید می کند، اما کاری از دست کسی بر نمی آید و برای پیش گیری از پیش رفت آن هم کاری نمی توان کرد. در این موارد، ضرورتی ندارد که در باره آن خطر صحبت کنیم؛ مثل این که جوانی سرطان گرفته و کاری هم از دست کسی ساخته نیست. در این صورت، اگر به مادر این

جوان نگوئیم که فرزندش سرطان گرفته و فقط تا یک ماه دیگر زنده خواهد بود، ایرادی ندارد. همین اندازه که بگوئیم: «برای فرزندتان دعا کنید»، کافی است؛ اما در موارد بسیاری، هشدار ندادن در بارهٔ یک خطر، خدمت نیست، خیانت است. مثلاً یک بیماری واگیردار در شهر در حال افزایش است؛ اما کسی در این میان می‌گوید: «کام مردم شهر را تلخ نکنید و حرفی از این بیماری نزنید». آیا این دیدگاه، صحیح است؟ یعنی برای تلخ نشدن کام مردم، نباید آنها را از خطری که در حال وقوع و قابل پیش‌گیری است، مطلع کرد؟! بی‌تردید، این عقیده اشتباه است. مردم باید بیماری را بشناسند و از خطر آن، به صورت کامل آگاه شوند تا بتوانند خود را در برابر آن ایمن کنند و اگر هم به آن مبتلا شدند، راه مبارزه با آن را یاد بگیرند. این که خیال اهل شهر آسوده باشد، در حالی که خطری در کمین همهٔ آنهاست، یعنی میدان دادن به بیماری برای سرایت بیشتر؛ یعنی ترجیح یک آسایش موقت بر یک آسایش طولانی. کدام عقل سلیمی این دیدگاه را می‌پذیرد؟!

امروز در جامعهٔ ما، بیماری طلاق رواج بسیار یافته و حتی حالت مُسری هم به خود گرفته است؛ به طوری که هر سال باید حسرت سال گذشته را خورد! روند رشد طلاق، گاهی از ازدواج هم پیشی می‌گیرد. این یک خطر عادی نیست، تهدید است؛ تهدیدی که اگر فکری به حال آن نکنیم، دنیایی از مشکلات تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی را برای ما رقم خواهد زد.^۱

۱. در کتاب چهارم همین مجموعه در بحث تبعات طلاق، به صورت مفصل به این مشکلات خواهیم پرداخت.



روند رشد طلاق گاهی از ازدواج هم پیشی می‌گیرد. این یک خطر عادی نیست؛ تهدید است؛ تهدیدی که اگر فکری به حال آن نکنیم، دنیایی از مشکلات تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی را برای ما رقم خواهد زد.



خوب است نگاهی به آمار طلاق بیندازیم و ببینیم در چند سال اخیر، این آمار چه نوساناتی داشته است. آمار طلاق را می‌توان به سه شیوه بررسی کرد. در شیوهٔ اول، آمار طلاق نسبت به جمعیت (نرخ خام طلاق) محاسبه می‌شود که از دقیق‌ترین انواع محاسبهٔ آمار طلاق است. در این شیوه، تعداد طلاق به ازای هر هزار نفر بررسی می‌شود.

در سال ۱۳۵۵ به ازای هر هزار نفر، ۵۳ طلاق ثبت شده و این آمار در سال ۱۳۶۵ به ۷۱ طلاق می‌رسد. در سال ۱۳۷۵، آمار طلاق افت می‌کند و به ۶۳ طلاق به ازای هر هزار نفر جمعیت می‌رسد. در سال ۱۳۹۰، آمار طلاق باز هم رشد می‌کند و به رقم ۱۰۹ می‌رسد. در سال ۱۳۹۲ نیز رشد طلاق ادامه می‌یابد و آمار ۲۰۲ را نشان می‌دهد. سال ۱۳۹۳ نیز همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد تا به عدد ۲۰۹ می‌رسد و در سال ۱۳۹۴ هم رقم ۲۰۷ طلاق برای هر هزار نفر، ثبت می‌شود.^۱

شیوهٔ دوم محاسبهٔ آمار طلاق، ثبت طلاق به ازای ثبت ازدواج است. با توجه به این شیوه، در سال ۱۳۷۵ به ازای هر صد ازدواج، ۷٫۸ طلاق ثبت شده است. این آمار در سال ۱۳۸۰ به ۹٫۴ رسیده و این گونه ادامه می‌یابد: در سال ۱۳۸۵ به ازای هر صد ازدواج، ۱۲ طلاق و در سال ۱۳۸۷، رقم ۱۲٫۵ طلاق ثبت می‌شود. از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۴ آمار ثبت طلاق در برابر ازدواج این گونه پیش می‌رود:^۲

۱۴٫۱:۱۳۸۸

۱. شاخص‌های جمعیتی و آخرین وضعیت سیاست‌های جمعیتی، ص ۳۰.

۲. رک: پایگاه اطلاع‌رسانی ثبت احوال.

۱۵,۴:۱۳۸۹

۱۶,۳:۱۳۹۰

۱۸,۱:۱۳۹۱

۲۰,۰۶:۱۳۹۲

۲۲,۶:۱۳۹۳

.۲۳,۸:۱۳۹۴

در شیوه سوم، رشد آمار طلاق نسبت به سال گذشته بررسی می‌شود. در سال ۱۳۸۷، آمار طلاق نسبت به سال پیش از آن، ۱۰,۷ درصد داشته و این رشد در سال ۱۳۸۸ به ۱۳,۸ می‌رسد و این گونه ادامه پیدا می‌کند:^۱

۹,۱ — ۱۳۷۲۰۰:۱۳۸۹

۴,۱ — ۱۴۲۸۴۱:۱۳۹۰

۵,۲ — ۱۵۰۳۲۴:۱۳۹۱

۳,۳ — ۱۵۵۳۶۹:۱۳۹۲

۵,۲ — ۱۶۳۵۶۹:۱۳۹۳

. ۰,۱ — ۱۶۳۷۶۵:۱۳۹۴

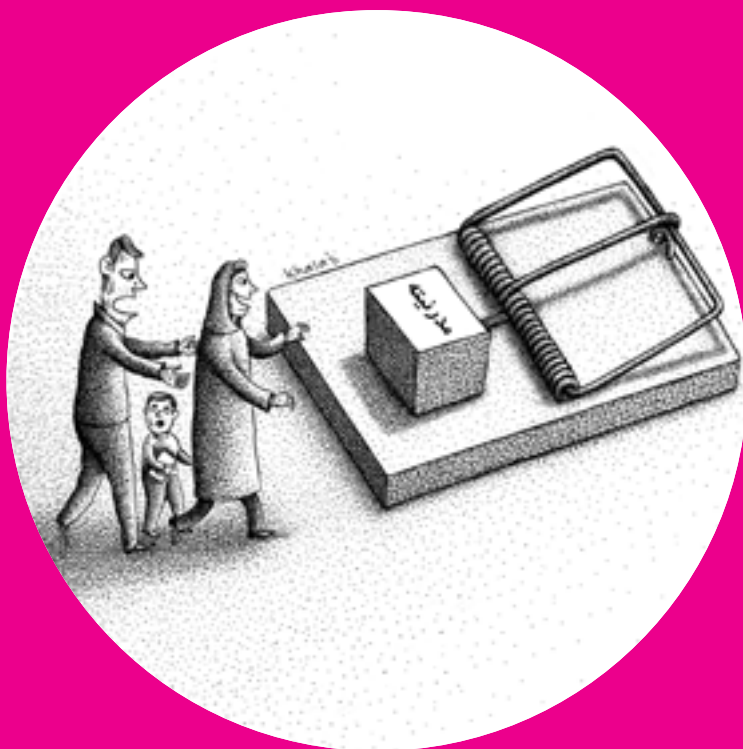
شما از این آمار چه برداشتی دارید؟ آیا می‌توان از کنار آن به سادگی عبور کرد؟ اگر کاری به این آمار هم نداشته باشید، می‌توانید از میان سالان و سالمندانی که در اطرافتان هستند، بپرسید تا آنها به شما بگویند که در گذشته، در میان خویشاوندان و آشنایان شما چه تعداد طلاق اتفاق افتاده و هم اکنون چند خانواده را می‌شناسند که طلاق، رشته زندگی آنان را گسسته است.

۱. رک: همان.

با توجه به آنچه گذشت، آیا رشد آمار طلاق در کشور ما، نگران‌کننده نیست؟ اگر شما نیز نگران این وضعیت هستید و بررسی این مشکل را لازم می‌شمارید، کتاب حاضر را بخوانید تا با آگاهی بیشتری به موضوع طلاق بنگرید و در پیش‌گیری از آن بکوشید.

بخش اول

• هتک و ترک زندگی با سبک زندگی •



(طلاق و سبک زندگی)

سبک زندگی، جان دارد و حتی می‌تواند جانی باشد.
به هوش باش که جدید بودن شیوه‌ها،
نشانه‌ایمن بودنشان نیست.



سبک زندگی، تنها به معنای مدل خانه و لباس و غذا نیست. همه رفتارهایی که ما در زندگی خود انتخاب می‌کنیم، سبک زندگی ما را تشکیل می‌دهند. نوع ازدواج - که از نوع تصمیم‌گیری در باره ازدواج شروع می‌شود - تا برپایی مراسم عروسی، همه سبک زندگی است. شیوه تعامل با همسر، یکی از ابعاد اصلی سبک زندگی است. طلاق، تصمیم و رفتاری است که یک فرد در قبال همسر و در کل زندگی مشترکش می‌گیرد که باز هم بخشی از سبک زندگی است. اگر چه طلاق، خودش بُعدی از ابعاد سبک زندگی است؛ اما سبک زندگی در ابعاد دیگر، تأثیر مستقیم و ویژه‌ای روی طلاق دارد. هر اندازه سبک زندگی به سمت توسعه یافتگی و مدرنیته پیش رفته، طلاق هم افزایش یافته است. به عبارت دیگر، هر اندازه زندگی، از سبک سنتی خود فاصله گرفته، طلاق هم بیشتر شده است. دقت بر روی آمار طلاق در شهرهای توسعه یافته‌تر، شاهد خوبی برای مدعاست. مثلاً استان تهران با رقم ۳۶٫۶ و البرز با رقم ۳۵٫۱، بیشترین شاخص طلاق به ازدواج را در سال ۱۳۹۴ به خود اختصاص داده‌اند؛ یعنی در مقابل هر صد ازدواج به ثبت رسیده، ۳۶٫۶ و در استان البرز ۳۵٫۱ رویداد طلاق به وقوع پیوسته

است. از سوی دیگر، استان‌های سیستان و بلوچستان (۷/۵)، ایلام (۱۲/۸) و چهارمحال و بختیاری (۱۳/۵) دارای کمترین رقم این شاخص در کشور هستند.^۱

برخی برای توجیه پایین بودن آمار طلاق در گذشته، می‌گویند: «پدران و مادران ما توانایی رها کردن زندگی‌های زجرآور را نداشته‌اند و برای همین، آمار طلاق پایین بود؛ اما امروز این توانمندی به دلایل مختلف ایجاد شده است.»

مقایسه آمار طلاق در دهه‌های گذشته نسبت به امروز نشان می‌دهد میان توسعه‌یافتگی و طلاق نسبت مستقیم وجود دارد.

ما نمی‌خواهیم نسبت به گذشته، خیال‌پردازانه قضاوت کنیم؛ اما نمی‌توانیم بپذیریم که کم بودن طلاق در گذشته، به این علت بود که توانایی‌های از زندگی‌های زجرآور، مثل امروز نبود!^۲

یکی از دلایل کمتر بودن طلاق در گذشته، نوع نگاه متفاوت زن‌ها و مردها به زندگی بود. ارزش زندگی، بیشتر از میزانی بود که امروز قیمت‌گذاری می‌شود. شما برای هر چیزی، به اندازه ارزشی که برایتان دارد، حاضرید سختی بکشید. زندگی مشترک در نگاه قدیمی‌ها، ارزش بسیاری داشت. وقتی فرزندی پا به این زندگی می‌گذاشت، ارزش آن دو چندان می‌شد. نگاه به مسئولیت بزرگ مادری و پدری، در تصمیم‌های زندگی بسیار مؤثرتر از امروز بود. ما

۱. سال‌نامه جمعیتی ثبت احوال، ۱۳۹۴.

۲. البته می‌پذیریم که برخی از زندگی‌ها به این دلیل ادامه می‌یافت که دو طرف یا یکی از دو طرف، نمی‌توانستند به طلاق فکر کنند و امروز هم این قضا جریان دارد. کم نیستند افرادی که از زندگی با همسر خود، خسته‌اند و نمی‌خواهند ادامه بدهند؛ اما نمی‌توانند از هم جدا شوند.

امروز از زوج‌های جوانی که با وجود یک یا دو بچه می‌خواهند از هم جدا شوند، این جمله را کم نمی‌شنویم: «ما که نمی‌توانیم به خاطر بچه‌ها خودمان را بدبخت کنیم!».

در گذشته، نوع نگاه به خوش‌بختی و بدبختی هم متفاوت بود. زن و مرد اگر یک زندگی را با همه سختی‌هایش روی پا نگه می‌دارند تا بچه‌ها زیر سایه پدر و مادر بزرگ شوند، باید احساس خوش‌بختی بکنند؛ نه بدبختی. در گذشته، اصلاً مادری کردن، یک ارزش و ملاک موفقیت بود. امروزه وقتی زن به جهت زندگی مشترک و مسئولیت مادری، از تحصیلات رسمی باز می‌ماند و از کسب درآمد مستقل محروم می‌شود، احساس بدبختی و شکست خوردگی می‌کند. مادری کردن و سایه سر یک موجود زنده محبوب به نام کودک بودن، در سبک زندگی جدید، ارزش چندانی ندارد.

نوع نگاه به زندگی هم یکی از اصلی‌ترین ارکان سبک زندگی است. وقتی نوع نگاه به زندگی تغییر می‌کند، سبک زندگی هم عوض می‌شود. امروز بسیاری از ما - خواسته یا ناخواسته - زندگی خود را با سبک غربی مدیریت می‌کنیم. در سبک زندگی غربی، هم نوع نگاه به زندگی و هم روش زندگی، متفاوت است.

•••

چشم باز کردیم و دیدیم همه چیز نو شده، و چه قشنگ شده
زندگی!

چشم باز کردیم و دیدیم زحمت‌ها یکی یکی دارد حذف می‌شود از
متن زندگی، و چه راحت شده زندگی!

چشم باز کردیم و دیدیم لذت‌ها چه رنگارنگ شده، هر روز لذتی

متفاوت از دیروز.

خیالمان راحت شد و خوابیدیم در میان این قشنگی‌ها و راحتی‌ها و لذت‌ها، و دعا کردیم بانیان آنها را. اندکی که نه، خیلی گذشت تا این که باز هم چشم باز کردیم و دیدیم این همه قشنگی، زشتی‌های بزرگ کرده بودند. چشم باز کردیم و دیدیم این همه راحتی، حاصل تخدیر عقلمان بود که سخت‌ها را راحت پنداشتیم. چشم باز کردیم و دیدیم این همه لذت، رنج‌های «تغییر نام داده» بودند و ما فریب «نام‌های تقلبی» را خورده‌ایم. عاطفه‌ها در میان این قشنگی‌های جعلی، یخ زد. مهربانی‌ها، لای این آسایش‌های خشن، له شد. صداقت‌ها در زیر دست و پای این رنج‌های لذت‌نما، گم شد. ما ماندیم و دنیایی از جدایی‌ها!

•••

برای تأثیر نوع نگاه به زندگی در استحکام و تزلزل بنیان خانواده، معادباوری مثال خوبی است. یکی از تفاوت‌های ویژه میان سبک زندگی غربی و دینی، معادباوری است. ما در سبک زندگی مادّی، حتی ردّ پای معاد را هم نمی‌بینیم؛ در حالی که معناداری زندگی در سبک زندگی دینی، وابسته به معادباوری است. بی‌تردید، نتیجه سبک زندگی غربی، رسیدن به پوچی است. بساط عیش و نوشی که در غرب هر روز جلوه جدیدی از آن بروز می‌کند، برای فرار از همین پوچی است. انسان‌هایی که تمام زندگی را در این دنیا خلاصه می‌بینند، توان و تحملشان کم می‌شود. انگیزه‌شان برای رشد دادن فضیلت‌ها در وجودشان، کم رنگ

می‌شود. اگر نقصی در زندگی دنیایی‌شان به وجود بیاید، خودشان را شکست خورده و به بن بست رسیده حساب می‌کنند. کسانی که معادباور نیستند، دنیا را خیلی بزرگ می‌پندارند و از دست دادن دنیا هم برایشان از دست دادن همه چیز می‌شود.

وقتی معادباوری نباشد، نفس هم فرصت پادشاهی پیدا می‌کند و انسان دچار غفلت و حرص می‌شود و اینها همه، آفات زندگی است. به این روایت دقت کنید که امام صادق علیه السلام فرمود:

یاد مرگ، خواهش‌های نفس را می‌میراند و رویشگاه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند، و دل را با وعده‌های خدا نیرو می‌بخشد، و طبع را نازک می‌سازد و پرچم‌های هوس را درهم می‌شکند و آتش آزمندی را خاموش می‌سازد و دنیا را در نظر، کوچک می‌نماید.^۱

در روایت دیگری، امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

دنیا به عنوان سرای ماندن، برای شما آفریده نشده است؛ بلکه چونان گذرگاهی برایتان خلق گشته است تا از آن، توشه اعمال برای سرای ماندگاری فراهم آورید.^۲

دنیا در این نگاه، مکان گذرایی است که باید تا می‌توان، از آن برای زندگی ابدی استفاده کرد. این نگاه، چه اندازه ما را در زندگی

۱. «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمَيِّتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَ يَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ وَ يُقَوِّي الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَ يُبْرِقُ الطَّلَعَ وَ يَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَ يُطْفِئُ نَارَ الْحَرَصِ وَ يُحَقِّقُ الدُّنْيَا» (مصباح الشریعة، ص ۱۷۱).

۲. «فَيَأْتِ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَارًا لَتَرْوَدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲).

مشترک یاری می‌دهد؟ اگر چنین نگاهی داشته باشیم، چه کارهایی را نمی‌کنیم؟ چه کارهایی را انجام می‌دهیم؟ چه چیزهایی برایمان مهم می‌شود و چه چیزهایی از درجهٔ اهمیت ساقط می‌شود؟ تحلیل ما از اتفاقاتی که دور و برمان می‌افتد، چگونه خواهد بود؟

در بحث عوامل طلاق، در موارد بسیاری اگر معادباوری در متن زندگی و تصمیم ما وجود داشته باشد، هم نوع نگاه ما به سختی و آسانی در زندگی تغییر می‌کند و هم متناسب با این تغییر نگاه، تصمیم‌های ما دچار تحوّل می‌شود. از ابتدا تا انتهای این مجموعه، به هر عاملی رسیدیم، این سؤال را از خودتان بپرسید که: اگر فردی معاد باور باشد، در مواجهه با این عامل، چگونه تصمیم می‌گیرد؟

•••

نشسته بودم و فکر می‌کردم. از آن فکری که شکل واقعیت به خودش می‌گیرد. داشتم با خودم می‌گفتم: اگر امروز روز آخرم باشد، چه کار می‌کنم؟ و اگر بگویند: برای تو فردایی نیست، چه کار نمی‌کنم؟ تا به حال، این طور به مرگ فکر نکرده بودم. احساس مرگ دارم. چه قدر مرگ نزدیک است!

دیروز به خدا التماس می‌کردم برایم استاد اخلاقی بفرستد. خدا چه زود اجابت کرد خواسته‌ام را. من از امروز، همیشه پای درس این استاد اخلاق زانو خواهم زد.

سلام استادم! سلام یاد مرگ!

•••

در این که امروزه وضعیت خانواده بحرانی‌تر از گذشته شده، تردیدی نیست. برای اثبات این مدعا هم نیازی به آمار نیست. به دور و بر خودتان نگاه کنید و ببینید لبخندهای واقعی (نه

لبخندهایی که به زور برنامه‌های طنز، روی لب می‌آید) دیروز بیشتر بود یا امروز؟ با تمام مشکلاتی که دیروز در زندگی‌ها بود، دل خوشی‌ها، دیروز بیشتر بود یا امروز؟

البته از یک زاویه دیگر هم باید به مسئله افزایش طلاق نگاه کرد و آن این که وقتی طلاق در جامعه‌ای زیاد می‌شود، قبح آن هم ریخته می‌شود. قبیح بودن یک کار در جامعه، یکی از موانع اصلی ترویج آن کار است. وقتی قبح امری در جامعه ریخته شد، انجام آن آسان می‌شود. نباید فراموش کرد که ریخته شدن قبح طلاق هم یکی دیگر از ابعاد سبک زندگی است.

عواملی که در ادامه می‌آید، همه از مصادیق تغییر سبک زندگی است. از همین رو، بیش از این در باره این موضوع سخن نمی‌گوییم و به سراغ عوامل افزایش طلاق می‌رویم.

بخش دوم

• انتخاب های انتحاری •



(طلاق و انتخاب نادرست همسر)

تو همسر را انتخاب می کنی تا با او زندگی کنی.
مراقب باش شیوه انتخابت، اولین بیت غزل جدایی نباشد.